

Review of the book *Translation and Interpretation Textbook*

Jamal talebi gharegheshlaghi *, Ali saeidavi **, Askar babazadeh aghdam***

Abstract

Today, translation is one of the most valuable topics in various fields of science, and in the meantime, works that teach translation are of great importance. Fortunately, in our country, several prolific works in the field of translation from Arabic to Persian and vice versa have been compiled and made available to those who are interested. The book "Textbook of Translation and Interpretation" written by Yasra Shadman and Reza Amani is also a new book in this field that has been published this fall. This book has several strengths that can make it one of the most instructive works in academic circles, provided it corrects its shortcomings. A review of this book, concluded that the book, in addition to the many strengths mentioned above, also suffers from many structural and content problems. The most important strengths of the book lie in the many exercises, the appropriate chapters, mentioning the abstract after each chapter, the use of sufficient resources and references. But typographical errors, typographical errors, inadequate structure of phrases, poor translation of texts, failure to interpret some phrases, etc. are some of the main disadvantages of the book, which the authors deserve to correct in future editions.

Keywords: Translation Critique; Translation and Interpretation Curriculum; Content Criticism; Formal Criticism; Method Criticism.

* . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Farhangian, Tehran, Iran
Jamal_talebii@yahoo.com.

** . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of bu ali sina, Hamadan, Iran.

*** . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Quranic Sciences and Education, Qom, Iran.

Date received: 2020-04-29, Date of acceptance: 2021-02-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

رویکرد انتقادی به کتاب درس‌نامه ترجمه و تعریب

جمال طالبی*

علی سعیداوی**

عسگر بابازاده اقدام***

چکیده

امروزه، ترجمه یکی از مباحث ارزشمند در حوزه‌های مختلف علمی است و در این بین آثاری که به آموزش ترجمه مبادرت می‌ورزند، اهمیت فراوانی دارند. خوشبختانه، در کشورمان چندین اثر پربار در حوزه ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس تدوین شده، و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است. کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* نوشته یسرا شادمان و رضا امانی نیز کتاب جدیدی در این حوزه است که در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. این کتاب با وجود داشتن معایب بی‌شمار، موارد قوت متعددی نیز دارد که می‌تواند آن را به شرط اصلاح معایبش به یکی از آثار قابل تدریس در محافل دانشگاهی تبدیل کند. با نقد و بررسی این کتاب این نتیجه حاصل شد که این اثر در کنار نقاط قوت متعددی که به چندین مورد از آن‌ها اشاره کردیم، اشکالات متعدد ساختاری و محتوایی دارد. مهم‌ترین موارد قوت کتاب در تمرین‌های زیاد، فصل‌بندی مناسب، ذکر چکیده بعد از اتمام هر فصل، استفاد از منابع و مراجع کافی نهفته است. اما اشکالات نگارشی، غلط‌های تایپی، نارسایی در ساختار عبارت‌ها، ضعف در ترجمه متون، نارسایی در تعریب برخی عبارت‌ها، و ... از معایب اساسی کتاب است که شایسته است مؤلفان در چاپ‌های بعدی به اصلاح آن بپردازند.

کلید واژه‌ها: ترجمه و تعریب، نقد ترجمه، نقد محتوا، نقد ساختار.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Jamal_talebii@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

*** استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲

۱. مقدمه

ترجمه یکی از علوم زبانی ارزشمند در عصر کنونی به شمار می‌رود که یادگیری آن برای انتقال مفاهیم از زبانی به زبان دیگر ضرورت دارد. پیوند عمیق دو زبان فارسی و عربی به سبب اشتراکات دینی، فرهنگی و تمدنی و لزوم انتقال میراث پیشینیان به نسل‌های بعدی ضرورت ترجمه را دوچندان می‌کند. در دو دهه گذشته، در زمینه ترجمه از زبان فارسی به عربی و بالعکس کتاب‌های متعددی تألیف شده است که هر کدام به فراخور دیدگاه‌های نویسندگان به بخشی از مباحث نظری و عملی ترجمه پرداخته‌اند. واقعیت این است که کتاب‌های ترجمه از فارسی به عربی و بالعکس با وجود تعدد آن خالی از ایراد و اشکال نیست، و نقد و بررسی ساختاری و محتوایی آن‌ها کمک بسیاری به صاحبان آثار برای رفع معایب مدنظر ناقدان می‌کند. از این منظر، بسیاری از کتاب‌های این حوزه پس از نقد و بررسی توسط صاحب‌نظران ویرایش و تجدیدنظر شده است که مقایسه چاپ‌های مختلف درستی آن را نشان می‌دهد.

در پاییز ۱۳۹۶ کتابی با عنوان *درس‌نامه ترجمه و تعریب اثر مشترک سیرا شادمان*، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و رضا امانی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآنی در ۲۶۸ صفحه، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، و قطع وزیری با رنگ جلد صورتی از سوی انتشارات دارالعلم منتشر شد. گفتنی است که کتاب حاضر نخستین اثر در حوزه ترجمه از فارسی به عربی و بالعکس نیست، و پیش از آن، آثار متعددی از جمله فن ترجمه: *اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی* تألیف یحیی معروف، فن ترجمه، عربی - فارسی اثر رضا ناظمیان، و فن ترجمه از منصوره زرکوب، به ترتیب از سوی انتشارات سمت، پیام نور، و مانی تقدیم علاقه‌مندان شده است.

این اثر که به دلیل بهره‌مندی از امتیازات فراوان، می‌تواند در کنار دیگر منابع مشابه، به منزله یکی از منابع اصلی درس‌های ترجمه در رشته‌های زبان عربی، الهیات و معارف اسلامی، و نیز علوم قرآن و حدیث معرفی شود، لازم است تا با نگاهی دقیق و موشکافانه مورد بررسی قرار گیرد تا حد امکان در چاپ‌های بعدی با اشکالات و ایرادهای اندکی به دانشجویان و علاقه‌مندان این عرصه ارائه شود. البته باید به این امر اذعان کنیم که مؤلفان کتاب از صاحب‌نظران حوزه ترجمه و نقد ترجمه در کشورمان هستند، و جست‌وجو

در بانک‌های اطلاعاتی نمایه‌کننده مقالات علمی - پژوهشی، و تخصصی شهادی بر این ادعاست.

کتاب‌های درسی به دلیل فراگیر بودن آن در محافل دانشگاهی، اهمیت خاصی دارند. لذا نقد منصفانه چنین آثاری می‌تواند ضمن برطرف کردن اشتباهات احتمالی موجود در آن، باعث تحول و غنای آثار علمی عرضه‌شده از سوی صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف شود. بر این اساس، نویسندگان جستار حاضر با علم به اینکه نقد «داوری خرده‌گیرانه و مستدل درباره متنی، و در معرض داوری قرار دادن آن است» (اسلامی، ۱۳۹۱، ص. ۲۳)، به دنبال بررسی ساختاری و محتوایی کتاب مذکور و پاسخ به سؤالات ذیل هستند:

- جامعیت و شمول مطالب این کتاب در زمینه فن ترجمه تا چه میزان است؟
- نویسندگان کتاب در حوزه ساختاری و محتوایی تا چه میزان موفق بوده‌اند و راه‌کارهای تقویت جنبه علمی این کتاب چیست؟

۲. اهداف مقاله حاضر

اخیرا شورای بررسی متون درسی دانشگاهی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در یک اقدام خوب و آکادمیک، یکی از رسالت‌های اصلی خود را نقد و بررسی آثاری قرار داده است که از سوی صاحب‌نظران برای تدریس در مجامع دانشگاهی تألیف و تدوین می‌شود تا ضمن معرفی این آثار به محافل دانشگاهی، با نقد و بررسی، مؤلف را در تصحیح کار خود یاری کند تا در نهایت، آثار خود را تا حد امکان به دور از اشتباه و ایراد عرضه کنند. از این رو، نگارندگان گفتار حاضر، به سبب آشنایی و شناخت کامل از شخصیت و جایگاه علمی نویسندگان کتاب مذکور، بر آن شدند تا ضمن معرفی این اثر، حداقل مساعدتی را برای نویسندگان آن در راستای بهبود کیفی و کمی کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* انجام داده باشند. روش نقد در این جستار، مبتنی بر تحلیل محتواست. این شیوه، یکی از مهم‌ترین روش‌های تحقیق است که هر محقق به صورتی با آن سروکار دارد (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳).

۳. ساختار کتاب

کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* که هدف اصلی آن آموزش ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس است، علاوه بر مقدمه آن، در پنج فصل و دو پیوست به رشته تحریر درآمده است. نویسندگان در مقدمه به ضرورت‌های ترجمه و وجود مشکلات در امر ترجمه پرداخته‌اند. فصل اول به مباحث نظری ترجمه از قبیل مفهوم و نظریه ترجمه، شرایط مترجم، و روش‌های ترجمه اختصاص یافته است. مباحث فصل دوم درباره ترجمه و تعریب انواع فعل است. فصل سوم به بحث درباره ترجمه و تعریب چند ساختار از قبیل «داشتن، وجود داشتن، انجام شدن، طولی نکشید» و ... پرداخته است. فصل چهارم نیز به برخی مباحث از جمله ترجمه و تعریب واژگان مترادف، ترجمه ضمائر، ترجمه حال و ... اختصاص یافته است. فصل پنجم آن نیز درباره ترجمه و تعریب حروف از قبیل ترجمه حروف عطف، حروف جرّ، حروف تأکید و ... تدوین شده است. پیوست اول درباره نقد ترجمه و پیوست دوم نیز تمرین ترجمه و تعریب است.

۴. مقایسه کتاب حاضر با آثار مشابه پیشین

چنان‌که در مقدمه اشاره شد، در حال حاضر نمونه‌های مشابهی با کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* در دسترس علاقه‌مندان به این حوزه در ادبیات عرب وجود دارد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین اثر، کتاب *فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی* تألیف یحیی معروف است که در سال ۱۳۸۴ از سوی انتشارات سمت چاپ شده است و به‌منزله منبع اصلی درس *فن ترجمه* رشته زبان و ادبیات عربی در بیشتر دانشگاه‌های کشورمان تدریس می‌شود. اطلاع کلام در بسیاری از مباحث، از جمله بحث زمان و ارائه زمان‌های غیرکاربردی، طرح برخی مسائل غیرضروری از جمله علل پیدایش اشتراک لفظی که در حوزه مطالعات زبان‌شناختی است، از نقایص آن به‌شمار می‌رود. پس از آن کتاب *فن ترجمه: عربی - فارسی* اثر رضا ناظمیان قرار دارد که در سال ۱۳۸۶ از سوی انتشارات پیام نور برای دانشجویان این دانشگاه منتشر شده است. این کتاب نیز در عین داشتن موارد قوت بسیار، در برخی مباحث کاستی‌هایی دارد، از جمله در مبحث فعل، که از ارائه معادل‌های ساختاری زمان‌ها خودداری شده است. سومین کتاب، *فن ترجمه* اثر منصوره زرکوب است که در سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات مانی به

علاقه‌مندان این حوزه عرضه شده است. این کتاب با وجود محاسن زیادی که دارد، به دلیل فقدان مباحث تئوری، کاربردی نبودن آن به سبب عدم ارائه تمرینات کافی، و محدود بودن به ارائه برخی ساختار خاص در زبان عربی و معادل‌یابی آن در زبان عربی چندان مورد اقبال دانشجویان قرار نگرفته است. کتاب *الترجمه والتعریب* اثر عبدالعلی آل‌بویه کتابی دیگر در حوزه ترجمه است که در سال ۱۳۸۷ از سوی انتشارات دانشگاه پیام نور منتشر شده است. کتاب *کارگاه روش ترجمه؛ عربی به فارسی - فارسی به عربی* نوشته عبدالهادی فقهی‌زاده نیز از دیگر آثار این بخش است که انتشارات سمت آن را چاپ کرده است. این کتاب مخصوص دانشجویان الهیات و علوم قرآنی است و مباحث آن با وجود مفید بودن بیشتر برای دانشجویان این دو رشته طراحی شده است. کتاب *درآمدی بر مبانی ترجمه؛ عربی به فارسی - فارسی به عربی* نوشته عنایت‌الله فاتحی‌نژاد و بابک فرزانه از آثار ارزشمند حوزه ترجمه به‌شمار می‌رود که در سال ۱۳۸۰ از سوی انتشارات آیه به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب در ۳۱ مبحث طراحی شده است. وجود تمرینات مناسب در پایان هر مبحث از ویژگی‌های مهم آن است.

کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* از جهت ساختاری شباهت‌های زیادی با آثار پیش از خود دارد. شاید در نگاه اول بتوان گفت که فصل اول کتاب که به مباحث نظری پرداخته است، از جهت‌های زیادی از کتاب *فن ترجمه یحیی معروف الگوبرداری شده* و با اندک تغییراتی در ارائه مثال‌ها تلاش کرده است از تقلید محض اجتناب ورزد. هر چند طرح برخی مباحث نظری نیز در این کتاب بسیار شتاب‌زده و بدون مقدمه انجام شده است. برای مثال در صفحه ۴۹ نویسندگان بیان کرده‌اند که «امروزه صاحب‌نظران علم ترجمه، روش‌های ترجمه را بر حسب نوع و هدف متن مبدأ ... به دو نوع معنایی و ارتباطی تقسیم می‌کنند»، حال آنکه تقسیم ترجمه به دو نوع معنایی و ارتباطی در نظریه پیترنیومارک مطرح شده است و شامل همه نظریه‌پردازان نمی‌شود.

نویسندگان کتاب در بیان ویژگی‌های مترجم صفاتی را عنوان کرده‌اند که اکثریت قریب به اتفاق اوصاف مذکور از کتاب *اصول نظری و عملی ترجمه از فارسی به عربی و عربی به فارسی* اثر یحیی معروف گرفته شده است. این امر در واژگان عربی وارد شده به فارسی که تغییر و بسط معنایی یافته‌اند، نمود چشمگیری دارد، چراکه بیشتر مثال‌ها از کتاب مذکور گرفته شده است.

مؤلفان در فصل سوم نیز نقشه راه را از کتاب فن ترجمه اثر منصوره زرکوب به عاریه گرفته‌اند. به گونه‌ای نحوه ترجمه برخی ترکیب‌ها و اصطلاحات زبانی دقیقاً همان‌هایی هستند که در کتاب مذکور بدان پرداخته شده است.

ارائه تمرین‌های متنوع و همسو با رویکردهای آموزشی یکی از موارد قوت این کتاب به‌شمار می‌رود. البته این بدان معنا نیست که سایر کتاب‌های این حوزه از ارائه تمرین غافل بوده‌اند. انتخاب مثال‌ها از کتب ادبی به‌ویژه از رمان‌های معاصر حکایت از نوآوری مؤلفان دارد. مباحث مطرح‌شده در *درس‌نامه ترجمه و تعریب* منطبق بر سرفصل‌های ارائه‌شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و در صورت اصلاح اشکالات ساختاری و محتوایی می‌تواند متناسب با راهبردهای آموزش ترجمه باشد. تلخیص مطالب هر فصل در پایان آن از دیگر محاسن کتاب حاضر به‌شمار می‌رود که دور نمای کل از مباحث مطرح‌شده برای خواننده ارائه می‌دهد.

با وجود کتاب‌های متعدد در حوزه ترجمه از فارسی به عربی و بالعکس که سالیان متمادی در محافل دانشگاهی مورد استفاده دانشجویان و استادان قرار گرفته است، انتظار می‌رفت مؤلفان کتاب حاضر با پوشش نقایص و کاستی‌های آن‌ها اثر جامعی را تقدیم علاقه‌مندان کنند، اما شتابزدگی و سطحی‌نگری در بسیاری از مباحث مانع از تحقق این خواسته شده است.

۵. بررسی اشکالات ساختاری کتاب

اگرچه در نقد و بررسی کتب درسی دانشگاهی بیشتر باید به محتوا توجه کرد، ولی پرداختن به ساختار شکلی آن‌ها نیز خالی از لطف نیست. «پژوهش‌ها نشان می‌دهند آن دسته از کتاب‌های درسی که سازماندهی بهتری دارند و یا سازماندهی خود را برای خواننده روشن و آشکار می‌سازند، بر میزان فهمیدن، به‌خاطر سپردن و به‌کار بستن اطلاعات آموخته‌شده می‌افزاید» (ملکی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳). کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* علیرغم محاسنی که دارد اشکالات ساختاری فراوانی دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۵. ضعف در نگارش حروف و صفحه‌آرایی

با توجه اهمیت و اهداف کتاب حاضر، و شاید قرار گرفتن آن به‌منزله منبع درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دقت در درست‌نویسی و نشانه‌گذاری، موضوع قابل توجهی است که نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت. صفحه‌آرایی و نگارش جذاب حروف نقش مهمی در جذب مخاطب دارد و «با استفاده از روش‌های خاص مانند کادر، تغییر رنگ، حروف، اندازه حروف، تغییر نوع حروف می‌توان حس بصری را تحریک کرد و یادگیری از متون درسی را ارتقا داد» (جمالی زواره و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۲۴). متأسفانه این کتاب نارسایی‌های زیادی در نگارش حروف و صفحه‌آرایی دارد. شباهت بیش از حد فونت به کار رفته در نگارش واژگان عربی و فارسی از زیبایی ظاهر اثر کاسته است. انتخاب فونت یکسان برای واژگان و جملات فارسی و عربی، چه کار ناشر باشد، چه کار مؤلفان، بهتر است مورد بازنگری قرار گیرد. ضعف در نگارش حروف، از صفحه آغازین مقدمه چشم خوانندگان را می‌نوازد. اشکالات نگارشی کتاب موردنقد در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: اشکالات نگارشی

واژه نادرست	واژه درست	صفحه	واژه نادرست	واژه درست	صفحه
المنجد فی الأعلام	المنجد فی اللغة والأعلام	۹۷	خلیل الجرّ	خلیل الجرّ	۹۸
می‌باشد	باشد	مقدمه	خلیل الجرّ	خلیل الجرّ	۱۰۶

در نگارش حروف، متأسفانه دستور نیم‌فاصله اصلاً رعایت نشده است، و ما در جای جای کتاب، واژگان دارای پیشوند و پسوند را می‌بینیم که بین آن‌ها فاصله افتاده است. این مسئله زمانی زشت جلوه می‌کند که چنین واژگانی در انتهای سطر قرار گرفته و پسوندشان در سطر بعدی آمده است.

جدول ۲: اشکالات نگارشی واژگان دارای پیشوند و پسوند

واژه	صفحه	واژه	صفحه
می باشد	مقدمه کتاب	زمان‌های	مقدمه کتاب
ارائه می دهد	۱۶	منتقل می کنند	۳۳
برمی دارند	۱۶	بازمی گردد	۱۹
اصلی ترین	۲۱	می کنند	۳۳
برمی دارند	۳۳	می شود	۳۷
نزدیک ترین	۴۹	می شود	۵۰
اختصاصی تر	۵۰	گزاره‌های	۵۰
می نگریم	۶۳	توصیه می شود	۶۳
ترجمه‌های	۷۷	دشوار می نماید	۷۷
می تواند	۸۰	می پردازیم	۹۱
زمان‌های	۱۰۹	می نشیند	۱۱۷
تأکید می کند	۲۳۰		

فقدان رویه واحد در فاصله بین سطرها، یکی دیگر از ضعف‌های ساختاری کتاب حاضر است. این ضعف در بیشتر صفحات کتاب به چشم می خورد، و نویسندگان با مراعات نکردن آن عملاً هر پاراگرافی را از پاراگراف بعد از خود جدا کرده اند، و این تصویر ناخوشایندی از کتاب ترسیم کرده است. صفحات ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۲۲۱، ۲۲۴، شاهدهی بر این ضعف است.

ضعف در صفحه آرایی کتاب باعث بروز دو مشکل اساسی شده است؛ نخست اینکه رسم جدول در داخل کتاب به درستی صورت نگرفته است، و ما گاهی فاصله‌های ناخوشایندی بین جدول و عنوان مربوط به آن می بینیم. برای مثال در صفحه ۱۸ کتاب، مدلی در قالب جدول برای فرایند ترجمه ترسیم کرده اند که چندین سانتی متر فاصله رها شده است. جدول صفحه ۸۲ نمونه دیگری از این ضعف است. دوم اینکه ضعف در صفحه آرایی سبب شده گاهی بیش از نیمی از برخی صفحات کتاب، سفید و خالی رها شوند و عنوان بعدی از صفحه ای دیگر شروع شود که این موضوع شکل ظاهری صفحات کتاب را در حله جزوه دست نویس کلاسی تنزل داده و لازم است در چاپ بعدی اثر حتماً

موردبازبینی قرار گیرد. از این رو، اگر تنها نگاهی به صفحات ۲۰، ۲۳، ۲۹، ۳۱، ۴۰، ۴۶، ۴۸، ۵۵، ۶۷، ۷۶، ۸۳، ۸۴، ۹۲، ۹۵ فصل اول بیندازیم وجود این نقیصه به چشم خواهد خورد. ناگفته نماند در فصل‌های دیگر کتاب نیز همین ماجرا ادامه دارد و صرفاً جهت اجتناب از اطالۀ کلام به ذکر مواردی از فصل اول بسنده کرده‌ایم.

نویسندگان در بحث ترجمۀ شعر، نمونه‌هایی از شعر کلاسیک عربی و فارسی را ذکر کرده‌اند، ولی به دلیل ضعف در صفحه‌آرایی آشفتگی ناخوشایندی به کتاب داده است. اگر ابیات در داخل جدول نگاشته می‌شدند به طوری که همگی از یک نقطه شروع و در نقطه واحدی هم به اتمام می‌رسیدند، بر زیبایی آن افزوده می‌شد. اشعار صفحات ۶۹ تا ۷۳ نمونه‌ای از این ضعف است.

۲-۵. فقدان وحدت رویه در اعراب‌گذاری

از دیگر اشکالات ساختاری کتاب، می‌توان به عدم رویه ثابت و یکنواخت نویسندگان در تعامل با متون عربی اشاره کرد. آنگاه که در هر اثر، از متن و عبارت‌های عربی استفاده می‌شود یا بایستی همه متون را به دقت اعراب‌گذاری کرد یا هیچ‌کدام را؛ حال آنکه نویسندگان کتاب در بعضی صفحات متن را اعراب‌گذاری کرده‌اند و در بعضی دیگر این کار را نکرده‌اند. متون موجود در صفحات ۳۵، ۴۱، ۶۸، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۸، ۲۵۰ تا ۲۶۱ از این مقوله هستند.

۳-۵. ارجاعات غیرمعمول

نبود رویه مناسب در ارائه اسناد و ارجاعات از دیگر اشکالات کتاب مورد بحث است. متأسفانه مؤلفان از ابتدا تا انتهای کتاب، به جز در چند مورد که از عدد انگشتان دو دست فراتر نمی‌رود شیوه صحیح ارجاع‌دهی را رعایت نکرده‌اند؛ به این معنا که نام خانوادگی، نام، اسم کتاب، محل نشر، نام ناشر، سال چاپ و شماره جلد و صفحه را ذکر نکرده‌اند. برای مثال در ارجاع پاورقی شماره ۱ صفحه ۱۵ که به مفهوم لغوی «ترجمه» مربوط است، چنین نوشته شده است: «ابن منظور، لسان‌العرب؛ الجوهري، الصحاح؛ الراغب الأصفهاني، المفردات، ماده رجم» و متأسفانه این مشکل تا ده‌ها صفحه بعد همینطور ادامه داشته است.

اشکال ساختاری دیگر این است که نویسندگان، به بیش از ۱۵۰ آیات قرآنی در اثر خود استشهاد کرده‌اند بدون آنکه حتی یک مورد از آیات مذکور را در داخل پراکنش گل‌دار قرار دهند. ضمن اینکه به نظر می‌رسد ارجاع آیات و سوره‌ها نیز باید در پاورقی ذکر شود، حال آنکه آیات قرآنی در داخل متن ارجاع داده شده‌اند. حتی در بعضی مواقع مشاهده می‌شود که آیات قرآنی اصلاً به هیچ سوره و عددی ارجاع داده نشده است، مثل آیات صفحه ۵۸ کتاب.

از دیدگاه نویسندگان مقاله، رویه معمول در ارجاع به نهج‌البلاغه، اشاره به شماره خطبه، نامه، و حکمت‌های آن است، ولی نویسندگان کتاب درس‌نامه ترجمه و تعریب، به صفحات نهج‌البلاغه ارجاع داده‌اند که اشکال ساختاری به‌شمار می‌رود. برای مثال در صفحه ۵۳ کتاب، ارجاع به شماره صفحه نهج‌البلاغه انجام شده است.

اشکال ساختاری دیگر، نوع تایپ و ویرایش روایت‌های نقل‌شده از پیامبر (ص) است، به طوری که در صفحه ۱۲۶ کتاب، نام پیامبر (ص) در انتهای روایت به گونه‌ای تایپ شده است که گویی ارجاع حدیث به نام مبارک رسول الله (ص) صورت گرفته است. این مشکل در صفحه ۱۳۰ و ۱۳۴ که احادیثی از ائمه (ع) آمده است نیز پیداست. پیشنهاد می‌شود برای رفع این سوء تفاهم، نام مبارک ائمه از آخر روایات به ابتدای آن منتقل شود.

انتظاری که به‌طور معمول از نویسندگان و مؤلفان هر کتاب می‌رود این است که برای استناددهی و تقویت مدعای خود تا حد امکان ابتدا از مصادر، سپس مراجع و درنهایت منابع دست پایین استفاده کنند. به هر حال، نکته مهم دیگری که مورد تأکید است، این است که از هر منبعی که استفاده می‌شود باید سند آن را نیز قید کنند. برای نمونه، در صفحه ۹۷ کتاب در قسمت شماره ۳ کل مطلب از سایت ویکی‌پدیا نقل شده است بدون آنکه به آن سایت ارجاع داده شود.

۴-۵. نارسایی و فقدان سلاست در برخی عبارتها

رسایی و روانی اثر، یکی از لازمه‌های تألیف است؛ به این معنی که «با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی، که الفاظ در آن معانی حقیقی دارند و ما را مستقیم و بدون آنکه بر سر کلمات و ترکیبات درنگ کنیم، به مدلول رهنمون می‌شود»

(سمیعی، ۱۳۷۸، ص. ۴۴). آنچه از نظر نویسندگان این مقاله می‌تواند ذیل این عنوان گنجانده شود به شرح جدول ۳ است:

جدول ۳: جملات معیوب و جایگزین‌های پیشنهادی

صفحه	عبارت پیشنهادی	عبارت معیوب
۲۱	اساسی‌ترین شرط هر مترجم، تسلط بر زبان مبدأ است	نخستین و اساسی‌ترین شرط یک مترجم تسلط بر زبانی است که می‌خواهد از آن ترجمه کند، و به اصطلاح زبان مبدأ.
۳۰	از منظر تئوری، امانت در ترجمه یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز است.	یکی از مسائل مناقشه‌برانگیز در نظرها و نظریه‌های ترجمه، بحث امانت در ترجمه است. حتماً شما نیز بارها این عبارات را خوانده یا شنیده‌اید ...
۹۲	ابن درید سال ۳۲۱ قمری در بغداد درگذشت.	ابن درید در سال ۳۲۱ قمری و در بغداد وفات یافت.
۱۲۳	فعلی را که بر احتمال انجام دادن کاری یا وقوع حالتی در گذشته دلالت داشته باشد، ماضی التزامی گویند.	فعلی را که بر احتمال انجام دادن کاری یا وقوع حالتی در گذشته دلالت داشته باشد را ماضی التزامی گویند.
۱۴۳	اگر زمان جمله گذشته یا آینده باشد فعل ... در کلام ذکر شده، و اگر زمان جمله حال باشد ...	اگر زمان جمله گذشته یا آینده باشد فعل ... در کلام ذکر شده، و اگر زمان جمله حال باشد ...
۱۷۱	شایان ذکر است که محققان کتاب‌های مستقلی در بیان تفاوت معنایی و کاربردی این قبیل واژگان تألیف کرده‌اند.	لازم به ذکر است کتاب‌های مستقلی محققان در بیان تفاوت معنایی و کاربردی این قبیل واژگان تألیف کرده‌اند.
۱۸۹	قرآن را به زیبایی تلاوت کرد.	زیبا قرآن تلاوت نمود
۴۰	از ویژگی‌های مهم دیگر این نوع متون می‌توان به ...	از دیگر ویژگی‌های مهم این نوع متون می‌توان به ...
۳۰	-	مصادق دیگر سبک نویسنده در ترجمه را می‌توان در داستان‌ها و رمان‌ها دید.

ملاحظه می‌شود استفاده نویسندگان از الفاظ و اصطلاحات عامه و روزمره، سبک و سیاق علمی کتاب را معیوب ساخته است. هر اثر علمی تا حد امکان از این نوع اصطلاحات عاری است.

۵-۵. فقدان مقدمه وافی، و عدم اشاره به پیشینه

از ویژگی‌های هر اثر تألیفی یا پژوهشی که بدان اعتبار علمی می‌بخشد قرار دادن مقدمه و ذکر پیشینه تحقیق در آن است. به نظر می‌رسد ضروری است که نویسندگان با یادآوری پژوهش‌های مشابه قبلی به وجه تمایز اثر خود با آن‌ها اشاره کنند. این کار باعث می‌شود مخاطبان با انگیزه بیشتری به کتاب حاضر روی آورند، و حداقل از اتلاف وقت خود پرهیز کنند. ضمن آنکه این کار نشان از اطلاع مؤلف و میزان به‌روز بودن دانش او خواهد بود (زرکوب، ۱۳۸۴، ص. ۸۶). اگرچه کتاب حاضر مشتمل بر مقدمه‌ای است، ولی نویسندگان تنها به معرفی فصل‌های اثر خود پرداخته‌اند، و هیچ اشاره‌ای به آثار مهم پیش از خود نکرده‌اند.

۶. ضعف و قوت‌های محتوایی کتاب

قبل از پرداختن به ضعف و قوت‌های کتاب موردنقد، باید اذعان کرد که مؤلفان جزو استادان جوان و پرکار حوزه ترجمه هستند، و با وجود تمام مشکلاتی که در تألیف کتاب با آن مواجه بوده‌اند، زحمات طاقت‌فرسایی را در کتابت این اثر متحمل شده‌اند. اما برای این‌که کتاب مذکور به اثری ماندگار تبدیل شود و مورد استفاده محافل دانشگاهی قرار بگیرد، اشکالات موجود در آن باید در چاپ‌های بعدی برطرف شود. لذا در این مجال، سعی ما بر این است که ابتدا به بیان نقاط ضعف کتاب حاضر بپردازیم، و در پایان نیز به نقاط قوت آن اشاره‌ای کنیم:

۶-۱. ابهام در عنوان کتاب

اولین ایرادی که در این کتاب مشاهده می‌شود مربوط به عنوان است (درس‌نامه ترجمه و تعریف). با توجه به مطالب کتاب و همچنین تمرین‌های ارائه‌شده احتمالاً منظور نویسندگان از ترجمه، ترجمه از عربی به فارسی است و مقصود از تعریف، ترجمه از

فارسی به عربی است. در صورتی که اصطلاح تعریب برای متونی به کار می‌رود که کاملاً صبغه عربی دارند و آثار ترجمه در آن مشاهده نشود. طه وادی در مقدمه بر کتاب *العبارات* اثر مصطفی لطفی المنفلوطی بیان کرده که ترجمه منفلوطی از برخی آثار فرانسوی را نمی‌توان ترجمه به‌شمار آورد. وی چنین آثاری را در زمره تعریب می‌داند، زیرا این ترجمه‌ها کاملاً صبغه عربی دارند و نمی‌توان آن‌ها را ترجمه دانست. همچنین محمد البطل در کتاب *فصول فی الترجمة والتعریب* برای یکی از فصل‌های کتاب عنوان «المصطلح بین الترجمة والتعریب» را انتخاب کرده است (البطل، ۲۰۰۷، ص. ۳۴). حال سؤال این است اگر مقصود از ترجمه برگردان از دیگر زبان‌ها به زبان عربی است پس تعریب چیست؟ منظور از تعریب ترجمه از زبان‌های دیگر و دادن صبغه عربی به متن یا اصطلاح است. در نتیجه به نظر می‌رسد بهتر بود نویسندگان عنوان «درس‌نامه ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس» را برای کتاب خود انتخاب می‌کردند. ترجمه عنوان به انگلیسی «Textbook Translation and Tarib» نیز به نظر خالی از اشکال نیست، زیرا اصطلاح تعریب در فرهنگ‌های زبان انگلیسی وارد نشده تا نویسندگان آن را به همان صورت به زبان انگلیسی برگردانند.

۲-۶. نارسایی در ترجمه‌های ارائه‌شده

یکی از مهم‌ترین اشکالات محتوایی کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* ارائه ترجمه‌های شتابزده و گه‌گاه نادرست از متونی است که برای نمونه آورده شده است؛ این امر در تعارض با مسئله امانتداری در ترجمه است که مؤلفان تأکید زیادی بر مراعات آن توسط مترجمان داشته‌اند. در این مجال، ترجمه مقطعی از کتاب جبران خلیل جبران به قلم مؤلفان مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. ابتدا لازم است به این نکته اشاره کنیم که چندین جمله از متن موردنظر از جمله «ما أظرفك متشحة بالظلّ و ما أملح وجهك مقنعا بالدّجی» (صص. ۴۷-۴۸) ترجمه نشده است، و در بعضی جمله‌ها برخی ترکیب‌ها نیز مورد غفلت واقع شده است، از جمله «تکتّمک فی الکهوف» در سطر هشتم متن. آنجا که متن جبران خلیل جبران با مخاطب و منادی قرار دادن «زمین» آغاز شده است: «ما أجملك أيتها الأرض و ما أبهاك»، مؤلفان با نادیده گرفتن و حذف نابجای معادل حرف ندا، ترجمه نارسایی از آن ارائه کرده‌اند: «چه زیبایی زمین، و چه باشکوهی». این در حالی است که

اگر منادی در ابتدای کلام آورده می‌شد، و دو جمله، با یک عبارت ترجمه می‌شد، بر زیبایی و رسایی آن افزوده می‌شد: «ای زمین! چقدر زیبا و باشکوه هستی!». در سطر پنجم متن زبان مبدأ یعنی «لقد سرتُ فی سهولک، وصعدت علی جبالک، وهبطت إلی أودیتک، و تسلقت صخورک، و دخلت کهوفک» به سبب شتابزدگی و حذف ترجمه «هبطت» ترجمه نارسایی به این شکل ارائه شده است: «در دشت‌هایت قدم زدم، و از کوه‌هایت بالا رفتم! در صحراهایت، صخره‌هایت را زیر پا گذاشتم و ...» که باید عبارت «در صحراهایت فرود آمدم» بدان اضافه شود. در سطر بعدی متن اصلی عبارت «فأنت أنت المنبسطة بقوتها المتعالیة بتواضعها و...» به دلیل خطای نحوی به اشتباه ترجمه شده است. مؤلفان ضمیر «أنت» دوّم را که ضمیر فصل است خبر در نظر گرفته و از متعدی به حرف بودن اسم فاعل «المنبسطة» غافل شده‌اند و آن را بدین شکل ترجمه کرده‌اند: «تو، تویی گسترده بر قدرت خویش و بلند با فروتنی‌ات و ...» که نیازمند بازنگری اساسی است. ترجمه پیشنهادی: تو با قدرت گسترده‌ای، و با تواضع سر به بلندی نهاده‌ای، و با بزرگی خویشتن را کوچک شمرده‌ای، و در عین صلابت مهربان هستی، و با اسرار پیدا و پنهانت نمایانی. در ترجمه مثال‌های ارائه شده برای مفعول مطلق نیز گاه اشتباهی به چشم می‌خورد. از جمله در عبارت: «تلا القرآن تلاوة جمیلة» (شادمان و امانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۸۹) که مؤلفان آن را بدین شکل ترجمه کرده‌اند: «زیبا قرآن تلاوت نمود». ترجمه پیشنهادی: قرآن را به زیبایی تلاوت کرد.

ترجمه مؤلفان برای عبارت «البصر هو قدرة الدماغ والعین علی كشف الموجة الکهرومغناطیسیة للضوء لتفسیر صورة الأفق المنظور» بدین صورت است که: بینایی در واقع توانایی ذهن و چشم در کشف موج الکترومغناطیسی نور برای خوانش تصویر مرئی است. ترجمه پیشنهادی: بینایی در واقع توانایی مغز و چشم در دریافت امواج الکترومغناطیسی نور به منظور پردازش تصاویر مرئی است.

۳-۶. نارسایی در تعریب برخی جملات

کتاب حاضر که عنوان ترجمه و تعریب را یدک می‌کشد، تقریباً از تعریب خالی است و به جز تعریب نارسای چند بیت فارسی، خواننده هیچ متنی در این حوزه نمی‌یابد. لذا جای

خالی متون تعریب‌شده در کتاب به‌شدت احساس می‌شود. از سوی دیگر، مؤلفان در تعریب اندک عبارات نیز علاوه بر مراعات نکردن قواعد نحوی، ساختارهای زبان عربی را مراعات نکرده‌اند. برای مثال تعریب دو بیت خیام را نقد و بررسی می‌کنیم:

آن قصر که جمشید درو جام گرفت آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت
بهرام که گور می‌گرفتی همه روز بنگر که چگونه گور بهرام گرفت

(همان، ص. ۷۲)

«انظر! کیف إنَّ القصر الذی کان جمشید فیہ یمسک الکأس هو الیوم مولد الطباء و مأوی الثعالب و کیف إنَّ بهرام الذی کان یتصید الحمر الوحشیة قد صاده أخیراً قبراً». در تعریب این دو بیت، مکسور شدن «ان» بعد از «کیف» و فصل ظرف بین فعل و فاعل، از جمله اشتباهات نحوی نویسندگان است. افزون بر آن عبارت «جمشید درو جام گرفت» در تعریب به شکل تحت‌اللفظی آمده است که بر نارسایی متن افزوده است. تعریب پیشنهادی: أصبح القصر الذی کان جمشید یحتسی فیہ الخمر مکاناً للوحوش كالطباء والثعالب. وأنَّ بهرام الذی کان یصید الحمار الوحشی قد أصبح القبر مصیره نهاية الأمر.

۴-۶. نابرابری مثال‌ها با برخی ساختارهای ارائه‌شده

یکی از دیگر از اشکالات محتوایی کتاب که نیازمند بازنگری اساسی است، نابرابری مثال‌های ارائه‌شده با ساختار مورد بحث است. نویسندگان در فصل سوم کتاب با عنوان «ترجمه و تعریب چند مفهوم خاص» به برگردان چند مفهوم از جمله مفهوم «انجام شدن» پرداخته، اما مثال‌هایی که ارائه کرده‌اند تناسبی با ساختار مربوط ندارد و اشتباه به‌نظر می‌رسد؛ برای مثال برای مفهوم «داشتن» به ساختار «تمّ / یتّم + مصدر» اشاره کرده‌اند، اما هر دو مثالی که بیان کرده‌اند نادرست است. به‌نظر می‌رسد مؤلفان در تمییز اسم با مصدر دچار اشتباه شده‌اند:

- کارهای خانه به‌خوبی انجام شد: «تمّت الأعمال المنزلیة جیداً» (همان، ص ۱۴۵).
- امروزه در کشور ما تلاش‌های مستمری در زمینه‌های علمی انجام می‌شود: «تتمّ جهود مستمرة فی مجالات علمية فی بلدنا الیوم».

در مثال‌های بالا، واژه‌های «الأعمال و جهود» اسم هستند، و مؤلفان آن دو را مصدر تلقی کرده‌اند، و این امر باعث شده است که ترجمه سلیس و روانی ارائه نکنند.

۵-۶. اشکالات محتوایی در نقد ترجمه

مؤلفان در پیوست شماره ۱ کتاب که به نقد ترجمه اختصاص دارد، یک متن قدیمی و کلاسیک، یک سوره قرآنی، و یک خطبه از نهج البلاغه را همراه با ترجمه آن‌ها باهدف نقد از سوی دانشجویان و خوانندگان آورده‌اند. ترجمه سوره قرآنی، و نیز ترجمه خطبه نهج البلاغه با دو ترجمه متفاوت از مرحوم شهیدی و مرحوم دشتی آمده است، ولی مؤلفان مشخص نکرده‌اند که ترجمه متن کلاسیک، مال خود آنان است، یا اینکه ترجمه دیگران را ذکر کرده‌اند. حال ترجمه این متن چه از آن خودشان باشد و چه از آن دیگران، اشکالات محتوایی عدیده‌ای در آن وجود دارد که بازنگری فوری آن را می‌طلبد. برای مثال، مؤلفان عبارت «فقلت: أما الشطر فلا أجود به وأما الكلّ فخذوه» را چنین ترجمه کرده‌اند: «پس گفت: اما نمی، نمی‌بخشم، اما همه آن را بگیرید». پیداست که این ترجمه چنگی به دل نمی‌زند و بهتر است به این شکل ترجمه شود که: «پیرزن گفت: نیمی از آن را نمی‌بخشم، ولی می‌توانید همه آن را بردارید». در ادامه همین متن، عبارت دیگری نیز وجود دارد که اشتباه محتوایی فاحشی در آن صورت گرفته است. مؤلفان در ترجمه عبارت: «قلت: وأبيكم، هذا هو الشرف العالی وذروته الرفیعة، وماذا یريد منی؟» چنین گفته‌اند: «گفت: و پدرتان این همان شرف و فخر بزرگ و اوج بزرگی است. از من چه می‌خواهد؟». در ترجمه ارائه‌شده مؤلفان، ساختار قسم «وَأبيكم» نادرست ترجمه شده است، و پیشنهاد می‌شود این‌گونه ترجمه شود که «پیرزن گفت: قسم به جان پدرتان! این کار من اوج عزت و شرف است. او از من چه می‌خواهد؟».

اشکالات محتوایی دیگر در جای جای این متن کوتاه به چشم می‌خورد. مؤلفان عبارت «فقال عبدالله لبعض غلمانہ: انطلق إلی خبائہا، فإذا أقبل بنوها فجیء بهم» را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «عبدالله به بعضی از غلامانش گفت: به چادرش برو. پس زمانی که پسرانش بازآمدند با آنان بیا». در این چند جمله چندین اشکال محتوایی وجود دارد: اول اینکه، کلمه «بعض» به معنای «بعضی» مناسب سیاق نیست و این لفظ معنای مفرد دارد که از فعل «انطلق» قابل استنباط است. دوم اینکه، فعل «جیء بهم» که متعدی به حرف جرّ است

نادرست ترجمه شده است، لذا بهتر است بدین شکل ترجمه شود: «عبدالله به یکی از غلامانش گفت: به خیمه او برو، و هر وقت پسرانش آمدند، آنان را نزد من بیاور». سوم اینکه، به سبب قدیمی بودن متن، ترجمه مؤلفان نیز باید زمان تاریخی متن را منعکس می‌کرد، که متأسفانه این کار اتفاق نیفتاده است.

۶-۶. تکراری بودن مطالب و الگوبرداری از منابع مشابه

اشکال محتوایی دیگری که به کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* وارد است، تکراری بودن عنوان کتاب، و نیز الگوبرداری از دیگر منابع مشابه در حوزه ترجمه است. بسیاری از مطالب نظری ترجمه که در فصل اول کتاب آمده است، با اندک تغییر ظاهری، در آثار مشابه آن به چشم می‌خورد. مبنای فصل‌بندی کتاب نیز به نظر می‌رسد تقلیدی از کتاب *فن ترجمه اثر یحیی معروف* است. فصل مربوط به برخی مفاهیم خاص نیز الگوبرداری از کتاب *فن ترجمه منصوره زرکوب* است. در فصل چهارم، نویسندگان به ترجمه برخی از ساختارهای نحوی مانند، أفعال تفضیل، ضمیر شأن، مفعول مطلق، حال، تمییز و دیگر ساختارهای نحوی پرداخته‌اند. راهکارهای ارائه‌شده در این بخش نیز برگرفته از کتاب-هایی است که قبلاً در زمینه ترجمه به رشته تحریر درآمده است. مفعول مطلق تأکیدی معمولاً به کمک قیدهای تأکیدی مانند: واقعاً، حتماً، به شدت و ... به زبان فارسی برگردانده می‌شود. در صورتی که مفعول مطلق تأکیدی غالباً در ترجمه حذف می‌شود. می‌توان به ترجمه *الایام* اثر حسین خدیو جم مراجعه کرد. گذشته از همه این‌ها به نظر نمی‌رسد جملاتی که نویسندگان بدان‌ها استشهاد شده است کاملاً طبیعی و قابل قبول باشد: «یحضر فی الجلسة حضوراً. أتحدث إلیهم تحدثاً. قد درس سعید دراسة. استمعت إلی کلامه استماعاً».

بیشتر راهکارهای ارائه‌شده برای ترجمه عناصر نحوی به همراه مثال‌ها، از کتاب‌های پیشین فن ترجمه کپی‌برداری شده است و درنهایت در حوزه عمل چندان به‌کار نمی‌آیند. شاید تنها امتیاز کتاب حاضر نسبت به کتب دیگر، تنوع مثال‌های آن باشد که مؤلفان به‌خوبی توانسته‌اند با این کار بعضی از نقص‌های کتاب را جبران کنند. بیشتر مثال‌های مورد استفاده مؤلفان کتاب در عین حال با سطح دانش دانشجویان متناسب است، از رمان‌ها و آثار ادبی نویسندگان برجسته جهان عرب همچون نجیب محفوظ، طه حسین،

مصطفی لطفی منفلوطی، جبران خلیل جبران، سعود السنعوسی انتخاب شده است و این امر به سبب دور شدن از مثال‌های کلیشه‌ای و موضوعات جالب آن‌ها مورد رغبت خوانندگان قرار خواهد گرفت. همچنین، مثال‌های مورد استفاده در درس‌های دیگر از جمله انشا، مکالمه و آزمایشگاه زبان نیز می‌توانند برای دانشجویان ثمربخش باشند.

۷-۶. نارسایی و ابهام در مبحث حال

در بخش ترجمه حال، به دلیل وسعت و گستردگی مباحث آن، مطالبی که در این مبحث آمده بسیار خلاصه و ناکافی است. آن‌گونه که با مشاهده این مبحث هویداست که نویسندگان تنها حال را به دو بخش مفرد و جمله تقسیم و از هر کدام تنها به مثالی بسنده کرده‌اند. نویسندگان هر نوع فعلی را در میان کلام حالیه قلمداد می‌کنند. به عبارتی واضح‌تر، منظور این است که مؤلفان کتاب باید با اشاره به تشابه جمله حالیه و وصفیه، این مبحث را بیشتر توضیح دهند که جمله بعد از نکره، صفت است و جمله بعد از معرفه عموماً حال است (همان، ص. ۱۹۴).

۸-۶. ضعف در تبیین ترجمه مفعول مطلق

در بخش ترجمه مفعول مطلق نیز حق مطلب درباره ترجمه مفعول مطلق به خوبی ادا نشده است. یعنی مؤلفان بدون اشاره به ماهیت مفعول مطلق، بلافاصله به سراغ اصل مطلب رفته و مخاطب را در تفهیم چیستی مفعول مطلق تنها گذاشته‌اند. درباره مفعول مطلق نوعی به نظر می‌رسد اگر توضیح دهند که مفعول مطلق به صورت تشبیهی ترجمه می‌شود کارگشایتر خواهد بود؛ یعنی عامل را مشبه و مفعول مطلق نوعی را مشبه به ترجمه می‌کنیم. در نکته اول این مبحث آمده است که اگر مفعول مطلق را که عامل آن حذف شده باشد می‌توان به دو روش ترجمه کرد: الف) مفرد: شکرأ: تشکر. ب) جمله: شکرأ: تشکر می‌کنم. پیشنهاد می‌شود مورد ۳ نیز برای تکمیل این مبحث ذکر شود: «فعل امر» یعنی مفعول مطلق را که عامل آن حذف شود می‌توان به صورت امری هم ترجمه کرد: قیاماً لا قعوداً: برخیز و ننشین.

درباره نکته ۲ این مبحث نیز فقط به واژه‌های «کلّ و بعض» به‌منزله نایب‌های مفعول مطلق اشاره شده و از نایب‌های دیگر همانند عدد و افعال تفضیل سخنی به میان نیامده است که پیشنهاد می‌شود این مفاهیم نیز در این نکته گنجانده شود.

۹-۶. عدم اشاره به باب تعجب و ساختارهای آن

در بخش ترجمه فعل، سخنی از ترجمه فعل‌های تعجب به میان نیامده است، حال آنکه افعال تعجب در زبان عربی کاربرد فراوانی دارد، و قبل از پرداختن به شیوه ترجمه این فعل‌ها لازم است ابتدا مقدمه‌ای درباره ساختار اوزان افعال تعجب و شیوه ساخت فعل تعجب از فعل‌های مزید نیز ذکر شود. همچنین، اشاره به ساختارهای سماعی این افعال نظیر «یا لها من حسرة» و «لله درّه فارسا» و مواردی از این قبیل ضروری به ذهن می‌رسد.

۱۰-۶. حذف مبحث اعداد

در فصل چهارم نیز که در آن سخن از ترجمه و تعریب اسم به‌میان آمده است جای بحث از ترجمه اعداد اصلی و ترتیبی خالی است، و این مورد از آسیب‌های جدی و مشکلات مطرح در میان دانشجویان است که لازم است مؤلف با اشاره‌ای کافی به این دو نوع از اعداد، شیوه ترجمه آن دو را ارائه دهد.

۱۱-۶. فرهنگ‌های لغت عربی

مؤلفان کتاب در بخش ۱۴ فصل اول مبحثی به نام فرهنگ‌های لغت کاربردی را در ترجمه گنجانده‌اند که در آن به معرفی گونه‌های مختلف لغت‌نامه‌نویسی نزد دانشمندان لغت عرب پرداخته و به ترتیب اهمیت آن‌ها را بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد آوردن این‌گونه مباحث بیشتر در کتاب‌های روش تحقیق مرسوم باشد و باوجود فایده فراوانی که این مبحث دارد، به نظر جای آن در ضمایم کتاب باشد.

۱۲-۶. تمرین‌های زیاد و فقدان پاسخ‌نامه

یکی از موارد قوت کتاب حاضر، تمرین‌های خوب و اختصاصی برای هر کدام از مباحث است. استفاده از شواهد و آیات قرآنی بر غنای این تمرین‌ها افزوده است، ولی متأسفانه

پاسخ این تمرین‌ها در پایان کتاب نیامده است و این مشکل باعث می‌شود دانشجویان به سبب سؤالات احتمالی که در حل تمرین‌ها با آن‌ها مواجه می‌شوند دچار سردرگمی شوند. از این رو، پیشنهاد می‌شود که پیوست شماره ۱ که مربوط به نقد ترجمه است، حذف و به جای آن پاسخ تمرین‌های متن کتاب گنجانده شود. چرا که با ملاحظه هدف کتاب، به نظر می‌رسد هدف کتاب این نیست که ما از دانشجو منتقد ترجمه بسازیم، بلکه هنوز در ابتدای راه هستیم و می‌خواهیم به آنان ترجمه را یاد بدهیم.

۱۳-۶. فصل‌بندی و عنوان‌های فرعی

در کنار اشکالاتی که مطرح شد، کتاب موارد قوت متعددی نیز دارد، از جمله فصل‌بندی آن به تناسب اقسام کلمه در زبان عربی که به زیبایی مورد توجه قرار گرفته است. انتخاب مباحث فرعی و تنظیم عنوان‌های داخلی در هر اثر علمی و دانشگاهی یکی از مهم‌ترین معیارها در ارزیابی تسلط و اشراف همه‌جانبه نویسنده بر عناصر و افکار اساسی موضوع خود است (نادری و همکاران، ۱۳۷۲، ص. ۲۰۱).

۱۴-۶. جمع‌بندی و ذکر چکیده در پایان هر فصل

جمع‌بندی و ذکر چکیده هر فصل در پایان آن می‌تواند به منزله یکی از موارد قوت کتاب درس‌نامه ترجمه و تعریب از لحاظ ساختاری باشد.

۱۵-۶. استفاده از منابع و مراجع فراوان

استفاده از مراجع و منابع در آثار و پژوهش‌های دانشگاهی اهمیت زیادی دارد. لذا یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که نویسندگان آثار علمی پس از انتخاب موضوع انجام می‌دهند، جست‌وجو در منابع و مراجع مختلف جهت جمع‌آوری اطلاعات و معلومات لازم درباره موضوع است (دلاور، ۱۳۸۵، صص. ۳۷-۳۸).

بهره‌گیری از حدود ۹۰ مرجع و منبع بر غنای اثر حاضر افزوده است و در این بین، بسیاری از این منابع که مؤلفان در بخش تئوری از آن بهره‌جسته‌اند، در زمره آثار باارزش حوزه ترجمه به‌شمار می‌روند.

۷. نتیجه

با نقد و بررسی کتاب *درس‌نامه ترجمه و تعریب* اثر یسرا شادمان و رضا امانی، این نتیجه حاصل شد که کتاب مذکور در کنار موارد قوت متعددی که به چندین مورد از آن‌ها اشاره کردیم، ایراداتی نیز دارد:

- عنوان کتاب با محتوای داخل آن هماهنگی ندارد، و بخش تعریب وجه مغفول آن است.

- مباحث تئوری کتاب بیشتر از کتاب‌های موجود در این حوزه گرفته شده، و با اندک تغییرات در مثال‌ها و شواهد ارائه شده است.

- اشکالات عدیده‌ای در صفحه‌آرایی، رعایت آیین نگارش و علائم سجاوندی در کتاب مورد نقد به چشم می‌خورد. عدم حرکت‌گذاری متون عربی از دیگر مشکلات کتاب مورد نقد است.

- در برخی موارد در ترجمه جمله‌های عربی و بالعکس نارسایی‌هایی وجود دارد که ناشی از اغفال برخی نکته‌های دستوری است.

و در نهایت پیشنهاداتی برای غنی شدن کتاب در چاپ‌های بعدی ارائه می‌شود:
- صفحه‌آرایی کتاب مورد بازبینی قرار گیرد و دیگر اشکالات نگارشی مورد اشاره اصلاح شود.

- پاسخ تمرین‌های ارائه شده در پایان کتاب گنجانده شود تا بیشتر برای علاقه‌مندان قابل استفاده باشد.

- گنجاندن برخی مطالب از جمله زمان‌ها در داخل جدول کار آموزش و یادگیری را تسهیل می‌کند.

منابع

- اسلامی، م. (۱۳۹۱). از مبانی نظری تا گام‌های عملی نقد کتاب. *جهان کتاب*، ۲۱۰-۲۱۲، ۲۳-۲۴.
البطل، م. (۲۰۰۷). *فصول فی الترجمة والتعریب*. لونجمان: الشركة العالمية للطباعة والنشر.
جمالی زواره، ب.، نصر، ا.، نیلی، م.ر.، و آرمند، م. (۱۳۸۸). بررسی معیارهای روان‌شناختی تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دانشگاهی. *عیار*، ۲۳، صص ۱۹-۳۵.

۶۸ نقدنامه زبان و ادبیات عربی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

دلاور، ع. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

زرکوب، م. (۱۳۸۸). فن ترجمه. اصفهان: مانی.

ساروخانی، ب. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سمیعی، ا. (۱۳۷۸). نگارش و ویرایش. تهران: سمت.

شادمان، ی.، و امانی، ر. (۱۳۹۶). درس‌نامه ترجمه و تعریب. قم: انتشارات دارالعلم.

معروف، ی. (۱۳۹۸). اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی. تهران: سمت.

ملکی، ح. (۱۳۸۵). مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی. سخن سمت، ۱۷، ۹-۲۰.

نادری، ع.، و سیف نرافی، م. (۱۳۷۲). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. تهران: بدر.

ناظمیان، ر. (۱۳۸۶). فن ترجمه (عربی به فارسی). تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.